

سرکوب پنهان با دستمزدهای ۷۱۲ هزار تومانی و جنبش به پا خاسته کارگری

منتشر شده در ویژه نامه تشکلهای مستقل کارگری

به مناسبت روز جهانی کارگر ۱۳۹۴

اتحادیه آزاد کارگران ایران - شاپور احسانی راد

در فرهنگ عمومی جامعه به درستی " سرکوب " به خشونت آشکار و عریان که با داغ، تیغ، درفش، شلاق، زندان و... همراه است معنی می شود. امروز سرکوب این خوی غیر انسانی به طور عینی و تمام عیار در بربریت و توحش مناسبات نظام سرمایه‌داری متجلی گشته است. اگر در جامعه سرمایه‌داری "سرکوب آشکار" گریبان منتقدین، معترضین و مبارزین را می گیرد و با بگیر و ببند و زدن آنها، بخشی از جامعه را وادار به عقب نشینی می کند، در "سرکوب پنهان" به صورت عامدانه قصد دارند با تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر، کل جامعه را دچار سرکوب معیشتی و وادار به تمکین کنند. این ستم معیشتی به گونه‌ای است که بخش زیادی از احاد اجتماع حتی نمی‌دانند از کجا و چگونه این همه نکبت و مصیبت بر آنها فرود می‌آید. بر کسی پوشیده نیست که استثمار انسان از انسان پلیدترین پدیده ضد بشری در طول تاریخ است و اکنون و در این زمان می‌توان با قاطعیت گفت گرو گرفتن معیشت جامعه، با تحمیل دستمزدهای خفت بار ۷۱۲ هزار تومانی، رذیلانه‌ترین پدیده ضد انسانی است که تا کنون بر میلیون‌ها انسان زحمتکش در یک جامعه روا شده است. داغ ما کارگران وقتی تازه می‌شود که دستمزد خفت بار ۷۱۲ هزار تومانی قبل از قرار گرفتن آن دسترنج ناچیز در جیب ما، بخشی از آن به صورت مستقیم توسط مالیات، بیمه تامین اجتماعی و بیمه تکمیلی بلعیده می‌شود و بخشی دیگر از آن بصورت غیرمستقیم با اعمال ۹ درصد ارزش افزوده، گران شدن ۵۰ درصدی آب، برق، گاز، بنزین و آزاد سازی قیمت‌ها و به ویژه نان دزدیده می‌شود و این تازه در شرایطی است که در خیلی از جاها کمتر از این دستمزدهای حداقلی می‌دهند و حقوق‌های ماهیانه، ماه‌ها به عقب می‌افتد. تبعات دستمزدهای زیر خط فقر، پنهان اما بی‌رحمانه خانواده حقوق‌بگیران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. پنهان بودن سرکوب معیشتی از آن رو می‌باشد که هر خانواده حقوق‌بگیر به هر اندازه ناتوانتر از دست‌یابی به بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین مایحتاج خود باشد به همان اندازه در لاک بی‌پناهی خود فرو می‌رود و به طور مطلق فقط خودشان را در موقعیت فقر و نداری و دیگران را در موقعیتی بهتر از خود می‌بینند و اعتراف تلویحی و حتی صریح دیگران به فقر و نداری را باور نمی‌کنند. مطالبات اعضای خانواده بی‌پاسخ می‌ماند. شرمندگی نان‌آور خانواده از خود شروع و به تدریج سرزنش و نکوهش پیدا و پنهان اعضای خانواده بر سر او آوار می‌شود. با رانده شدن احترام، شان و منزلت انسانی به حاشیه، ارزش‌های درونی خانواده بی‌رنگ می‌شود و انسان در هم می‌شکند و درهم شکستن عزت نفس انسان مساوی است با تن دادن به هر خواری و ذلت. و این طور است که زندگی خانواده کارگر ایرانی معجونی می‌شود از لحظات اندکی از لبخند و اوقات تلخ و کسرداری از حسرت، غم، غصه و سیلاب اشک. نتیجه عینی سرکوب معیشتی، فرو ریختن ارزش‌های انسانی در جامعه بصورت کودکان کار، زنان کارتن‌خواب، بیکاری، خشونت و... است. این چنین است که کسانی از فرط این درماندگی، فقر و استیصال دست به خودزنی و خودسوزی می‌زنند. سؤال اینجاست آستانه صبر و تحمل جامعه تا کجاست؟ جامعه با این شرایط ناپه‌نچار تا چه

زمانی می‌تواند روی این پله درماندگی و بن بست بایستاد؟ جامعه‌ای که بویژه در دو سال اخیر به روشنی دریافته است که سیاست‌های اجرایی دولت تدبیر و امید سرمایه‌داران نه می‌تواند، و نه می‌خواهد، نقطه پایانی بر وضعیت مشقت‌بار موجود و ستم معیشتی رو به گسترش بگذارد و علیرغم چند دهه سرکوب معیشتی، مصرانه قصد دارد شرایط مصیبت‌بارتری را با تصویب دستمزدهای ۷۱۲ هزار تومانی به زحمتکشان تحمیل نماید، طبیعی است جامعه در مقابل این زخم عمیق و التیام‌ناپذیر بر پیکر نیمه جان خود که اعصاب و روان میلیون‌ها انسان ستم‌دیده را به لرزش در آورده است هم می‌خواهد و هم می‌تواند بر این ستم معیشتی نقطه پایانی بگذارد. عکس‌العمل غریزی جامعه در مقابل این سرکوب پنهان معیشتی و سرکوب عریان همه حقوق انسانی خود، گسترش هر روزه و پیش از پیش ابعاد جنبش عظیم اجتماعی کارگران بر سر تعیین تکلیف " معیشت و منزلت " می‌باشد. وقوع دهها اعتصاب و تجمع روزانه کارگری در جای جای کشور، اعتراضات و تجمعات کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان در مقابل وزارت کار، مجلس و ریاست جمهوری تنها گوشه‌ای از این جنبش به پا خاسته کارگری بر سر معیشت است که می‌رود با خلق صحنه‌های قدرتمندی از اعتراضات متحدانه و سراسری، کورسوی امید به تغییر را به مشعلی فروزان در دل ستم‌دیدگان مبدل سازد و بساط تحمیل بی‌حقوقی مطلق و سرکوب و ستم معیشتی بر میلیون‌ها خانواده کارگری را پایان دهد.